

معانی مجازی در قرآن مجید  
(بخش دهم)

نقش معانی مجازی در فهم آیات مُوهِم تعارض  
یعقوب جعفری

از دیرباز، مفسران و قرآن‌پژوهان پیرامون آیاتی از قرآن کریم که در نگاه سطحی مُوهِم تعارض و یا تناقض است و چنین می‌نمایند که اختلافی در آنها وجود دارد، بحث‌های مفصل و روشنگری کرده‌اند و شبهاتی را که ممکن است به ذهن کسی خطور کند، زدوده‌اند.

با بررسی سیر تاریخی این مسئله معلوم می‌شود که از همان قرون اولیه، کسانی درباره آیاتی از قرآن که به ظاهر مُوهِم اختلاف و تعارض است پرسشهایی مطرح کرده‌اند. از جمله، در چند روایت پرسشهایی در این باره از امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> شده<sup>۱</sup> و در روایتی هم از ابن عباس چنین پرسشهایی شده است.<sup>۲</sup>

در طول تاریخ، معاندان اسلام، به خصوص کشیشان مسیحی تلاش کرده‌اند که بعضی از آیات قرآن را با بعضی دیگر متعارض معرفی کنند و به این وسیله در دعوت‌های تبشیری خود، مسلمانان را به شک و تردید اندازند.

ما امروز هم شاهد آن هستیم که در برخی مجلات و شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی متعلق به مسیحیان و معاندان اسلام، همان شیوه دنبال می‌شود و جالب اینکه آنان

۱. شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۵۵. آیاتی که پرسش‌کننده مطرح کرده و پاسخهایی که امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> به یک یک آنها داده در متن روایت ذکر شده است.

۲. سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۱۷۲.

## نقش معانی مجازی در فهم آیات مُوهِم تعارض □ ۵

سؤالاتی را مطرح می‌کنند که دانشمندان اسلامی و مفسران قرآن، خود، آن را مطرح کرده و پاسخهای لازم را داده‌اند.

چنین می‌نماید که کشیشان آنها را از همین کتابهای اسلامی برداشته و پاسخها را نادیده گرفته و حذف کرده‌اند.

این در حالی است که نبودن اختلاف و تعارض در آیات قرآنی، یکی از وجوه اعجاز قرآن است و قرآن خود بر آن تأکید کرده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا». (نساء، ۸۲) آیا در قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از نزد غیر خدا بود، اختلافهای بسیاری در آن می‌یافتند.

در این آیه، ضمن بیان اینکه در آیات قرآن، اختلافی وجود ندارد، روش رسیدن به این حقیقت را هم ارائه می‌دهد و آن تدبر در آیات قرآنی است؛ یعنی اگر در نگاه اول تعارضی میان آیات به نظر برسد، پس از تدبر و فهم درست آیات، این تعارض ظاهری برطرف خواهد شد. علاوه بر این، می‌بینیم به جهت اهمیت تدبر برای رسیدن به این حقیقت، امر به تدبر را به صورت استفهام انکاری مطرح می‌کند که دلالت بر تأکید فراوان دارد.

در این باره روایتی از امام حسن عسکری<sup>(ع)</sup> نقل شده که بسیار راهگشاست. امام در این روایت، اسحاق کنندی فیلسوف را که معاصر آن حضرت بود، به وسیله یکی از شاگردان او هدایت کرد (متن این روایت را پیش از این در بحث «گسترده‌گی و تنوع معانی مجازی در قرآن» به نقل از ابن شهر آشوب آوردیم).<sup>۱</sup>

همچنین مفسران در ذیل آیات مطرح شده بحث‌های مفصلی کرده و رفع اشکال نموده‌اند و نیز کتابهای مستقلی در باره این موضوع نگاشته‌اند که پیش از این به برخی از آنها اشاره کردیم.

درباره چنین آیاتی که معاندان اسلام دستاویز خود قرار داده‌اند، یک پاسخ کلی و قاطع وجود دارد که سیوطی آن را از ابن سیرج نقل کرده است. او در پاسخ کسی که پرسیده بود چگونه است که خدا در جایی از قرآن به شهر مکه سوگند خورده «وَهَذَا

۱. مجله ترجمان وحی، شماره ۲۶، ص ۶.

## □ ۶ ترجمان وحی

أَلْبَلَدِ الْأَمْپِينِ» (تین، ۳) و در جای دیگر گفته است که سوگند نمی‌خورم «لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ» (بلد، ۱) سخن مهمی گفت، و آن اینکه قرآن در حضور قومی بر پیامبر<sup>(ص)</sup> نازل شد که آنان حریص‌ترین مردم بر یافتن اشکال و طعنی در آن بودند، و اگر تناقضی در آن وجود داشت قطعاً به آن چنگ می‌زدند و در ردّ قرآن به وسیله آن، شتاب می‌کردند.<sup>۱</sup>

سخن ابن سربیح در نهایت متانت است، چون مشرکان برای مقابله با قرآن به هر چیزی متشبّث شدند و آن را سحر یا شعر یا افسانه‌های پیشینیان و یا کفایت نامیدند، ولی هرگز نگفتند که در آن تناقض و تعارضی وجود دارد.

البته ما در اینجا در صدد بحث در باره چنین آیاتی نیستیم و آنچه در اینجا به مناسبت بحث از معانی مجازی مطرح می‌کنیم این است که در بخشی از این آیات، آنچه باعث سوء فهم شده، بی‌توجهی به معانی مجازی کلمات است و این همان است که بعضی از دانشمندان بر آن تأکید کرده‌اند؛ از جمله ابن قتیبه گفته است: بسیاری از مردم به علت بی‌توجهی به مجاز، در تأویل قرآن به اشتباه افتاده‌اند.<sup>۲</sup>

همچنین زرکشی برای حلّ مشکل آیات موهیم اختلاف، موضوعاتی را مطرح کرده که چهارمین آنها اختلاف در حقیقت و مجاز است.<sup>۳</sup> همچنین بسیاری از کسانی که درباره آیات مشکل، کتاب نوشته‌اند در بسیاری از موارد، مشکل را با حمل بر معنای مجازی حل کرده‌اند که از آن جمله می‌توان از ابن شهر آشوب در کتاب مشابه القرآن و مختلفه و قاضی عبدالجبار معتزلی در تنزیه القرآن عن المطاعن و ابن قتیبه در تأویل مشکل القرآن نام برد.

به هر حال، ما اکنون چند مورد از آیاتی را که موهیم تعارض است و معاندان اسلام آنها را دستاویز خود کرده‌اند نقل می‌کنیم و خواهیم دید که اعتراض آنها کاملاً بی‌مورد است و آنها دانسته یا ندانسته معانی مجازی را نادیده گرفته‌اند.

— در سوره توبه آیه ۶۷ درباره منافقان چنین آمده است: «تَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» یعنی آنها خدا را فراموش کردند و خدا هم آنها را فراموش کرد. در این آیه، به خدا نسبت «نسیان» داده شده در حالی که در سوره مریم آیه ۶۴ چنین آمده است: «وَمَا كَانَ رَبُّكَ

۱. سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۹۶.

۲. ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ص ۶۹.

۳. زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۱۸۹.

## □۷ نقش معانی مجازی در فهم آیات مُوهِم تعارض

تَسِيًّا» یعنی پروردگار تو فراموشکار نیست.

این پرسش که امروز بر زبان معاندان تکرار می‌شود پرسش تازه‌ای نیست، چرا که آن را از امیرمؤمنان<sup>(ع)</sup> هم پرسیدند،<sup>۱</sup> و از امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز سؤال کردند<sup>۲</sup> و پاسخهای لازم را دریافت نمودند.

پاسخ این پرسش روشن است. «نسیان» به معنای حقیقی آن، یعنی فراموش کردن و از یاد بردن واقعی، از ساحت خداوند به دور است و او حفیظ و علیم است و آیه: «وَ مَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا» (مریم، ۶۴) و آیه: «لَا يَضِلُّ رَبِّي وَ لَا يَنْسَى» (طه، ۵۲) برای این مطلب تأکید دارند. اما در آیه: «تَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ» (توبه، ۶۷) و آیات مشابه آن، مانند: «فَالْيَوْمَ تَنْسَاهُمْ كَمَا تَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا» (اعراف، ۵۱) و «فَدُوُّوا بِمَا تَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ» (سجده، ۱۴) نسیان به معنای مجازی آن به کار رفته و به معنای رها کردن و توجه نداشتن و محروم ساختن آنان از رحمت الهی است، و این بسیار واضح است و ما هم در محاورات خود آن را به کار می‌بریم و می‌گوییم: تو ما را فراموش کردی، ما هم در مقابل تو را فراموش کردیم. منظور از فراموش کردیم، بی‌اعتنایی و بی‌توجهی است، نه اینکه واقعاً از یادمان رفته است.

نسبت دادن نسیان، مکر و استهزا و موضوعاتی از این قبیل به خدا، از باب مجاز است و به آن «مشاکله» گفته می‌شود و ما در بحث از ظرافت‌های معانی مجازی آن را توضیح دادیم.<sup>۳</sup>

— در دو آیه از قرآن، خطاب به بنی‌اسرائیل گفته شده: «أَبَىٰ فَضَّلْتُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ» (بقره، ۴۷ و ۱۲۲) یعنی من شما را بر جهانیان برتری دادم. و در برخی از آیات دیگر هم به برتری بنی‌اسرائیل بر جهانیان تأکید شده است.<sup>۴</sup> در حالی که درباره امت اسلامی هم گفته شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل‌عمران، ۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید. پرسش این است که اگر بنی‌اسرائیل بر جهانیان برتری دارند امت اسلامی هم جزو جهانیان است؛ پس چگونه امت اسلامی بهترین امت معرفی شده است؟

۱. صدوق، التوحید، ص ۲۵۵.

۲. عیون اخبار الرضا ج ۱، ص ۱۲۵.

۳. مجله ترجمان وحی، شماره ۳۳، ص ۶.

۴. مانند: «وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ» (جاثیه، ۱۶)؛ «وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ» (اعراف، ۱۴۰)؛ «وَلَقَدْ اخْتَرْنَاكُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ» (دخان، ۳۲).

پاسخ این است که واژه «العالمین» در این آیات، در معنای مجازی به کار رفته است. معنای حقیقی این واژه شامل همه عالم‌ها در هر عصری می‌شود و در بسیاری از آیات در همین معنای حقیقی خود به کار رفته است مانند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد، ۲) اما در آیات مربوط به بنی‌اسرائیل، با توجه به قراین ویژه‌ای که وجود دارد، به صورت مجازی به معنای گروه‌ها و اقوام معاصر بنی‌اسرائیل، به کار رفته و مربوط به عصر حضرت موسی<sup>(ع)</sup> است؛ چون خود قرآن بارها و بارها از خواری و مسکنت بنی‌اسرائیل پس از موسی<sup>(ع)</sup>، و غضب و لعنت خود بر آنها خبر داده است. و این به سبب کارهای بسیار زشت آنها، مانند کفر به آیات خدا، کشتن پیامبران، نافرمانی خدا، تجاوزگری و پیمان‌شکنی آنها بوده است: «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره، ۶۱)؛ «فِيمَا نَقَضُوا مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهَا» (مائده، ۱۳)

با توجه به این آیات، معلوم است که برتری بنی‌اسرائیل بر عالمین مربوط به زمان حضرت موسی<sup>(ع)</sup> بوده که دعوت او را پذیرفتند و در برابر فرعون ایستادگی کردند، و بقیه رویدادها.

نظیر این مطلب را درباره گروهی از پیامبران می‌بینیم. در سوره انعام، پس از نام بردن از چند پیامبر، از جمله ابراهیم، اسحاق، یعقوب، داود، سلیمان، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، یسع، یونس و لوط می‌فرماید: «وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ» (انعام، ۸۶). بدون شک، منظور برتری هر یک از آنها بر عالمین زمان خودشان بوده است.

– در یک آیه از قرآن «تَرْكِيهَ نَفْسٍ» مایه رستگاری معرفی شده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس، ۹) ولی در آیه دیگری از «تَرْكِيهَ نَفْسٍ» نهی شده است: «فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ» (نجم، ۳۲) و در انتقاد از یهود چنین آمده است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ» (نساء، ۴۹). پاسخ این اشکال واضح‌تر از آن است که ذکر شود، ولی باز از باب توضیح واضح‌تر می‌گوییم: «تَرْكِيهَ» از «زکو» به معنای رشد و نمو و خیر و صلاح است،<sup>۱</sup>

۱. «زکو» با زاء به معنای نمو و «ذکو» با ذال به معنای ذبح حیوان است که در آیه ۳ سوره مائده آمده است: «لَا مَا ذَكَّيْتُمْ» و

## □ ۹ نقش معانی مجازی در فهم آیات مُوهِم تعارض

و به «زکات» از آن جهت زکات گفته می‌شود که باعث رشد و نمو مادی و معنوی فرد و جامعه می‌شود. معنای اصلی تزکیه هنگامی که متعلق به نفس باشد، تهذیب نفس و پاک‌ساختن آن است که باعث رشد و شکوفایی و تکامل معنوی انسان می‌شود، و آیه: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس، ۹) بر این حقیقت تأکید دارد که هر کس نفس خود را تهذیب کند و آن را از پلیدیها و آلودگیها پاکیزه بدارد، رستگار شده است.

معنای حقیقی «تزکیه» همین است و یکی از مراتب کمال انسانی است، ولی «تزکیه» یک معنای مجازی هم دارد و آن خود را به پاکی زدن و به عبارت دیگر خود را پاک معرفی کردن یا همان خودستایی و خودنمایی است که البته صفت مذمومی است. تعریف کردن از خود – حتی اگر درست هم باشد – کاری غیراخلاقی است، مگر در موارد خاصی که علمای اخلاق آن را ذکر کرده‌اند.

در آیاتی که از تزکیه نفس نهی شده منظور، تعریف کردن از خود است؛ همان کاری که بنی‌اسرائیل به شدت به آن مبتلا بودند و خود را «فرزندان خدا و دوستان او» (مائده، ۱۸) یا «اولیاء الله» (جمعه، ۶) معرفی می‌کردند و می‌گفتند: «لَنْ تَسَنَّا النَّارَ إِلَّا أَيْامًا مَّعْدُودَةً» (بقره، ۸۰) و به همین جهت آیه: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُرَكِّبُونَ أَنفُسَهُمْ» (نساء، ۴۹) درباره آنها نازل شد و آیه: «فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ» (نجم، ۳۲) هم یک خطاب همگانی است و انسان را از خودستایی نهی می‌کند.

– قرآن کریم در چند آیه، درباره اعتقاد به روز جزا «ظنّ» را کافی دانسته و مؤمنان را که ظنّ به ملاقات پروردگارشان دارند می‌ستاید، مانند: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (بقره، ۴۶) و «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنََّّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹) و «إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ» (حاقة، ۲۰). این در حالی است که درباره کافران «ظنّ» در اعتقادات را نکوهش می‌کند، مانند: «وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيًّا وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (بقره، ۷۸) و «وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (جاثیه، ۲۴)

→

این قاعده فقهی هم از آن است: «ذکاة الجنین ذکاة امه».

## □ ۱۰ ترجمان وحی

پاسخ این اشکال هم روشن است و آن اینکه «ظنّ» در آیات دسته اول معنایی دارد و در آیات دسته دوم به معنای دیگری است.

در توضیح این موضوع می‌گوییم: «ظنّ» یک معنای اصلی و حقیقی دارد و آن ترجیح یکی از دو طرف بر دیگری با احتمال خلاف است. اگر در وقوع یا عدم وقوع یک حادثه، یکی از دو طرف در نظر انسان رجحان بیشتری داشته باشد و طرف دیگر فقط به صورت یک احتمال مطرح شود این همان «ظنّ» است و معنای حقیقی ظن هم همین است. ولی «ظنّ» به صورت مجازی در دو معنای دیگر هم به کار می‌رود که از قراین کلام فهمیده می‌شود؛ یکی از آنها «یقین» است که رجحان یکی از دو طرف با عدم احتمال خلاف است و دیگری «وهم» است که به معنای احتمال ضعیف است. استعمال ظن در هر سه معنا در کلام عرب، از جمله در قرآن کریم، معمول و متداول است.

در بعضی از کتاب‌های لغت در تعریف ظن مطلبی گفته‌اند که دقیق نیست و آن اینکه: ظن به معنای شک و یقین است.<sup>۱</sup>

درست است که ظن، هم در شک و هم در یقین به کار می‌رود، ولی هر دو معنا معنای مجازی است و معنای حقیقی ظن همان است که گفتیم؛ یعنی چیزی میان شک و یقین. و چون ظن، هم در شک و هم در یقین به کار می‌رود، بعضی آن را از «اضداد» شمرده‌اند؛<sup>۲</sup> یعنی کلماتی که در دو معنای ضد هم به کار می‌رود. در شعر معروف منسوب به تفتازانی هم «ظن» در ردیف ده لفظ از اضداد ذکر شده است:

ده لفظ از نوادر الفاظ بر شمر

هر لفظ را دو معنی در آن ضدّ یکدگر

جون و صریم و سدفه و ظنّ است و شفّ و بین

قرء است و هاجد و جلل و رهوه ای پسر<sup>۳</sup>

۱. ابن الانباری، الاضداد، ص ۹؛ لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۷۲.

۲. ابن الانباری، همان؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۶۲، زبیدی، تاج العروس، ج ۱۸، ص ۳۶۴.

۳. محدث قمی، الکنی والالقباب، ج ۲، ص ۱۱۹. (ذیل ترجمه تفتازانی)

## □ ۱۱ نقش معانی مجازی در فهم آیات مُوهِم تعارض

معلوم است که یک لفظ نمی‌تواند با وضع حقیقی، دو معنای متضاد داشته باشد، بلکه از باب مجاز و استعاره چنین اتفاقی می‌افتد و لذا برخی از این واژه‌ها را ثعلب در کتابی به نام مجاز الکلام و تصاریف گرد آورده که سیوطی در المزهَر از آن نقل کرده است.

بر می‌گردیم به آیات مورد بحث. در آیات دسته اول، ظنّ به معنای یقین و یا دست‌کم به معنای احتمال بسیار قوی است که به آن «ظنّ متآخِم به علم» می‌گویند و حصول چنین درکی از طریق مبانی درست و اساسی و تحقیق و بررسی امکان‌پذیر است و به همین جهت «ظن» به این معنا مطلوب است. اما در دسته دوم «ظن» به معنای شک و تردید و وَهْم است که پیروی از آن نکوهیده است.

آنچه گفتیم، نمونه‌هایی بود از آیاتی که معاندان اسلام آنها را به عنوان تناقض در قرآن مطرح کرده‌اند، در حالی که با اندک تدبّری در این آیات به خوبی روشن می‌شود که چنین نیست و هر کدام از آنها معنای خاص خود را دارد و در آیاتی که به عنوان نمونه آوردیم، راه حل رفع تعارض، توجه به معانی مجازی است به شرحی که گفته شد.

